

## عنوان مقاله:

حق بر شهر؛ مبانی توجیهی «میراث فرهنگی»

## محل انتشار:

نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسندگان:

سیدمحسن قایمی خرق - دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه قم

مهدی مددی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه کاشان

## خلاصه مقاله:

بر مبنای گزارش نشانه شناختی از متون دینی، تجلی عنصر «زمان و مکان» در اجتهاد و استنباط دیدگاه اسلام به خصوص «شهر و مدینه» و پس از آن «محیط زیست مصنوعی و خاصا اموال فرهنگی» امری مشهود بوده است. این رویکرد، رویکردی برآمده از قرآن، سنت، قواعد فقهی و عقل است. «حق به شهر» به عنوان یکی از حقوق در جرگه ی حقه‌های «باید انگار» از سویی به حوزه حکومتی و در سویی مقابل به نقش مردم سالارانه و سهیم ساختن مردمان در فرآیند شهرسازی ربط می یابد. این پژوهش با بررسی رویکرد اسلام به «حق به شهر» به دو مساله ی «امکان سنجی مشارکت مردمان در پدیده «شهر» به عنوان مهمترین سرمایه حق به شهر» و نیز چالش مهم «تعارض فقه حکومتی و اراده‌ی اکثریت در خصوص اموال فرهنگی» می پردازد. شیوه مطالعات در این پژوهش، از نوع کتابخانه ای و روش توصیفی-تحلیلی است. نگارنده در میانه ی تحقیق، تحلیل خویش از حرمت اسلامی اموال فرهنگی در «حق به شهر» را بر یکی از دو نگاه «ارزش ذاتی اموال فرهنگی» یا «انتفاعی» مبتنی میکند.

## کلمات کلیدی:

حق به شهر، میراث فرهنگی، اسلام، حقوق بشر، خرد جمعی متبلور در میثاقات قانونی.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1150515>

